

بررسی مبانی توحید در رازقیت

اعظم صلواتی^۱، عباس همامی^۲، عزیزالله افشار کرمانی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۲۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۷)

چکیده

توحید در رازقیت به معنای توحید در رزق‌رسانی است. این مرتبه از توحید از صفات فعلی پروردگار به‌شمار می‌رود که از رابطه رازق که خداوند است با مرزوق که از ویژگی‌های مخلوقین است، انتزاع شده است. در برخی از آیات قرآن صفت رازقیت به غیر خدا نسبت پیدا کرده است. این در شرایطی است که توحید در رازقیت به معنای انحصار رزق‌رسانی برای خداوند است. قرآن کریم برای تبیین این مفهوم به مبانی خاصی از جمله: اعتقاد وجود به خدا در عالم، اعتقاد به ربوبیت الهی در کنار عقیده به خالقیت وی و اعتقاد به نظام سلسله‌ی طولی در توحید افعالی اشاره می‌نماید. این نوشتار درصدد آن است که پس از بررسی کوتاهی درخصوص مفهوم رزق و انواع آن از نظر آیات و روایات، با بررسی مبانی پیش‌گفته توحید در رازقیت را به اثبات برساند.

کلید واژه‌ها: ربوبیت خدا، توحید افعالی، رزق، رازقیت، رزاقیت، توحید در رازقیت.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
azamsalava@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
ah@hemamia.ir

۳. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
azi.afsharkermani@iauctb.ac.ir

۱- بیان مسأله

یکی از مباحث مهم و اساسی در آیات قرآن، بحث «توحید در رازقیت» است؛ بدین معنا که «رازق» فقط خداوند است؛ اوست که رزق همه را می‌دهد و تمام انسان‌ها و مخلوقات هستی، مرزوق و روزی خوار اویند. با این همه دسته‌ی از آیات قرآن کریم فعل رزق را برای غیر خدا بیان می‌کنند و «رازقیت» را به غیر خداوند نیز نسبت می‌دهند. سوال این است که آیا در مسأله رازقیت ما می‌توانیم قائل به «توحید در رازقیت» باشیم یا خیر؟ و اگر یکی از مراتب توحید ربوبی، توحید در رازقیت است چگونه است که برخی از آیات قرآن کریم در مسأله رزق، به فاعلی غیر از خداوند متعال پرداخته شده است؟

با توجه به این دست از سوالات، این مقاله بر آن است که با نظر به آیات قرآن کریم مبانی توحید در رازقیت را جستجو نماید تا بتواند به سوالات مطرح شده، پاسخ دهد. در خصوص پیشینه این بحث باید گفت گرچه در کتب مختلف بحث از توحید در رازقیت به فراوانی آمده است و نویسندگان و محققان اسلامی به طرق متعدد و با براهین و استدلال‌های عقلی و نقلی به اثبات این مطلب پرداخته‌اند، اما با توجه به کاوش‌های انجام شده بحث مستقلی در مورد مبانی توحید در رازقیت یافت نشد و مقاله از این جهت نوآوری دارد. لذا بیان و بررسی این مبانی ضروری است. اما قبل از آن ذکر مقدماتی در خصوص مفهوم رزق و اقسام آن ضروری است. به شرح زیر:

۲- مقدمه - کلیاتی در مفهوم و اقسام رزق

۲-۱. مفهوم رزق در لغت و قرآن

«رزق، گاهی بر عطای جاری در دنیا یا آخرت گفته می‌شود و گاهی به بهره و نصیب و گاهی به آنچه به شکم جاندار می‌رسد و با آن تغذیه می‌کند اطلاق می‌شود. در کتاب مفردات علاوه بر توضیحات مذکور، برای واژه «رازق» سه معنا آمده است: خالق رزق،

عطاکننده رزق و کسی که سبب رزق می‌شود. بنابراین رازق در حقیقت خدای متعال است و به انسانی که در وصول رزق واسطه می‌شود هم گفته می‌شود. ولی «رحاق» به جز خدای متعال به کسی گفته نمی‌شود.» (راغب اصفهانی، ۳۵۱).

عده‌ای بیان می‌کنند که «رزق هر آن چیزی است که انسان از آن بهره می‌برد؛ مادی یا معنوی، دنیوی یا اخروی، ملکی یا ملکوتی، اعتباری یا حقیقی باشد. با این توضیح، نه تنها خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها بلکه بهره‌های معنوی مانند عزت، کرامت، آبرومندی، علم، نبوت و رسالت، خلافت، ولایت و امامت همگی رزق به‌شمار می‌روند. (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ۶۰۰/۱۳).

علاوه بر این، رزق به دو دسته ظاهری و باطنی تقسیم شده است که خوراکی‌ها در دسته اول و علوم و معارف در دسته دوم قرار می‌گیرند غیر از مولفه‌های بالا به مؤلفه و خصوصیت دیگری در مورد رزق اشاره می‌شود و آن مقدر و مکتوب بودن آن است که به مرزوق خواهد رسید. (ابن‌منظور، ۱۱۵/۱۰).

در بیان برخی رزق، یاری‌دهنده در بقای موجود است و مطرح می‌کنند که امکان ندارد رزق از مرزوق جدا شود و رزق افزون بر نیاز مرزوق باشد یا مرزوق بدون رزق بماند. (طباطبایی، ۳۷۶/۱۸).

و نیز در تعریف رزق گفته‌اند: رزق بخششی خاص است که مطابق با حال طرف مقابل و احتیاجات اوست و موجب تداوم زندگی او می‌شود و این امر به صورت مداوم در جریان است. (مصطفوی، ۱۲۴/۴).

بنابراین با مراجعه به منابع لغوی روشن می‌شود واژه‌ی «رزق» که در مفهوم آن آمیزه‌ای از عطا وجود دارد در ابتدا برای «غذا» به‌کار می‌رفته است نه غیر آن. کم‌کم معنای رزق گسترش یافت و هر غذایی که به انسان می‌رسید رزق او شمرده می‌شد، چرا که گویا نوعی عطیه بود. با تعمیم این مفهوم، هرگاه چیز سودمندی به کسی می‌رسید که از آن بهره می‌گرفت، رزق شمرده می‌شد؛ اگر چه آن چیز غذا و خوراکی نبود. و اینکه تنها امور مادی

را شامل نمی‌شد؛ چرا که شرط انتفاع و بهره‌مندی و مطابقت با احتیاجات شخص، شامل امور معنوی مانند عزت، کرامت، علم و نبوت، خلافت، امامت و ولایت نیز می‌شود. بنابراین در مورد واژه رزق می‌توان نتیجه گرفت که رزق، هر آن چیزی است که مورد انتفاع انسان قرار می‌گیرد و انسان در زندگی و حیات خود به آن نیاز دارد؛ حال می‌خواهد مادی باشد یا معنوی، دنیوی باشد یا اخروی.

۲-۲. انواع رازق

در ابتدا باید گفت که «مقصود از رازقیت، روزی دادن به هر جاننداری اعم از انسان و حیوان است. و رازقیت به این معنا که فاعلی بدون استعانت از مقامی، و از طریق آفرینش اسباب و مسببات، جانداران را در دریا و خشکی روزی دهد، فعل مختص خدا و از شئون توحید در خالقیت است و احدی جز پروردگار، انجام دهنده‌ی این کار نیست؛ زیرا روزی دادن همان طرح و آفرینش سلسله اسباب و مسبباتی است که منتهی به بقای حیات جاندار می‌گردد. بنابراین خدا از آن نظر که جهان را آفریده، خالق است و از آن نظر که مواهب جهان را در مسیر تغذیه و زندگی جانداران قرار داده است، رازق است و اما این، مانع از آن نیست که موجودی دیگر به اذن و مشیت حکیمانه خدا در مسیر روزی دادن جاننداری قرار گیرد و به اذن الهی روزی دهنده‌ی او باشد. لذا در قرآن کریم همان‌طور که روزی دادن به خدا نسبت داده شده، به غیر او نیز انتساب یافته است، هر چند که میان این دو تفاوت بسیار است؛ برای مثال در مورد رازقیت خداوند آمده است: «إِنَّا لِلَّهِ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (الذاریات، ۵۸).^۱ و در عین حال به اولیای افراد چنین خطاب می‌کند که: «وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (النساء، ۵).^۲

طبق این دو آیه، هم خدا رازق است و هم ولی (پدر)، اما تفاوت این دو در

۱. خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار است.

۲. از عواید آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.

روزی‌رسانی بسیار روشن است. خداوند مستقلاً و بدون اتکا به کسی دارنده این فعل است در حالی که پدر با اتکا به قدرت و مواهب الهی، موجب تغذیه‌ی فرزند خود می‌گردد. (سبحانی، جهان‌بینی اسلامی، ۳۱۲-۳۱۴).

به توضیح دیگر آیات مربوط به معرفی رازق در قرآن چند دسته‌اند:

۱- آیاتی که فعل رزق را بدون حصر، به خدا نسبت می‌دهند؛ مانند: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ» (الروم، ۴۰).^۱

۲- آیاتی که فعل رزق را به غیر خدا نسبت می‌دهند؛ مانند: «وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ» (النساء، ۵).^۲

۳- آیاتی که خدا را خیر الرازقین معرفی می‌کند؛ مانند: «وَإِنَّا لِلَّهِ لَهَوَّ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (الحج، ۵۸).^۳

۴- آیاتی که رازق بودن را منحصرأ از آن خدای سبحان می‌دانند؛ مانند: «إِنَّا لِلَّهِ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (الذاریات، ۵۸).^۴

و اما، صریح‌ترین آیه در افاده‌ی انحصار رازقیت به خداوند، این آیه است که می‌فرماید: «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (فاطر، ۳).^۵ این آیه توحید خالقیت و رازقیت را یکجا در بردارد. بنابراین، این دسته از آیات مبین نظر نهایی قرآن کریم درباره رازقیت است که تنها خدا رازق است و اگر در جایی به غیر خدا نسبت داده شده معنای دقیق آن این است که آن شیء به نحو مظهریت خدا عهده‌دار رزق می‌باشند، زیرا رازقیت از صفات فعل خداست و دیگران می‌توانند مظهر آن شوند. (جوادی آملی، تفسیر موضوعی توحید در قرآن، ۴۳۰-۴۳۲).

۱. خدا همان کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی بخشید.

۲. از عواید آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید.

۳. و راستی این خداست که بهترین روزی دهندگان است.

۴. خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار است.

۵. آیا غیر از خدا آفریدگاری هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟

و منظور از صفات فعل آن رشته از صفاتی است که در حقیقت فعل و کار خداوند محسوب می‌شوند و ذهن ما با دیدن افعال وی به وجود این اوصاف منتقل می‌گردد تا آنجا که اگر او به چنین کاری دست نمی‌زد. هرگز نمی‌توانستیم او را با این اوصاف توصیف کنیم؛ پس وقتی می‌گوییم رازقیت از صفات فعلی خداست یعنی او با فراهم ساختن روزی و انزال ارزاق، «رازق» است.

و اگرچه در برخی از آیات، فاعل رزق، غیر خدا دانسته شده است؛ به‌طور غیرمستقیم حکایت از روزی‌رسانی خدا دارد؛ یعنی فاعل رزق، غیر خدا بدان معنا نیست که برخی جاها خداوند رازق نیست؛ بلکه نشان‌دهنده این است بخشی از رازقیت خود را به بندگان سپرده است.

به‌طور مثال در آیه‌ی شریفه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ»... وَ عَلَيَ الْمُؤَلَّدِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (البقره، ۲۳۳). ۱. طبق این آیه خداوند خوراک و پوشاک و نفقه مادر شیردهنده را به‌عهده پدر گذاشته است. و این منافاتی با اینکه خداوند رازق اصلی است ندارد. براساس این آیه‌ی شریفه تنها رازق حقیقی خداوند است و اگر کسی متصف به صفت «رازق» باشد، از باب مجاز و نسبت فعل به غیر فاعل حقیقی و از طریق اذن و عطای خداوند است.

۲-۳. اقسام رزق

از آنجا که به هرگونه بهره‌ای که خداوند نصیب بندگان می‌کند، اعم از مواد غذایی، مسکن، پوشاک یا علم و عقل و ایمان و... رزق گفته می‌شود می‌توان رزق را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم نمود که در این صورت هر کدام دارای مصادیق متعددی خواهند بود از جمله:

۱. و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیردهند ... و خوراک و پوشاک آنان، [مادران] به‌طور شایسته، برعهده پدر است.

۲-۳-۱. رزق مادی و مصادیق آن

عطاء خداوند شامل حال تمام مخلوقات و آفریده‌هایش می‌شود و رزق مادی از رحمت عام اوست که فرود می‌آید، و مظاهر آن فراوانند و به روشنی قابل حس و لمس می‌باشند. ارزاق نهفته در آسمان و زمین آن قدر فراوانند که قابل احصاء و شمارش نیستند و افزون بر اینکه دسته‌ای از این ارزاق ضروری و بعضی غیرضروری‌اند، در اینجا بدون در نظر گرفتن این ویژگی‌ها به اجمال به آن مصادیقی از رزق مادی اشاره می‌شود که همگان با آن آشنایی بیشتری دارند:

۱- طعام

طعام به معنای هر چیز خوردنی است که شامل غذا و نوشیدنی می‌شود (فراهیدی، ۲۵/۲) در قرآن هم از زبان خداوند آمده است که: «مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ» (الذاریات، ۵۷).^۱ «کلمه اطعام به معنای دادن طعام به کسی است که آنرا بجشد و بخورد، و ذکر اطعام بعد از رزق، از قبیل ذکر خاص بعد از عام است که معمولاً در جایی به کار می‌رود که گوینده نسبت به خاص عنایتی بیشتر دارد. و در اینجا خدای تعالی خواسته است در بین همه انحاء رزق‌عنایت بیشتر خود را نسبت به طعام بفهماند و این بدان جهت است که احتیاج به طعام خوردن و سوخت بدن را تامین کردن، از سایر حوائج انسان وسیع‌تر است، و سایر حوائج شبه آن‌اهمیت نیست، زیرا بدن همواره سوخت و سوز دارد، هر طعامی که می‌خورد وقتی می‌خورد که گرسنه است، و بعد از خوردن هم آن را دفع نموده، دوباره گرسنه می‌شود.» (طباطبایی، ۳۸۸/۱۸)

۲- ثمره / ثمرات

در قرآن کریم از ثمرات به عنوان مصادیق رزق الهی یاد شده است از جمله در آیه زیر:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (البقره، ۲۲).^۲ این آیه بیان‌کننده

۱. از آنان هیچ روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند.

۲. همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده]، و آسمان را بنایی [افراشته] قرارداد؛ و از آسمان آبی فروآورد؛ و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا همتابانی قرار ندهید، در حالی که خود می‌دانید.

رحمت وسیع و گسترده خدا بر همه بندگان است که چگونه از آب، میوه‌ها و دانه‌های غذایی در شکل و رنگ‌های متنوع آفریده است محصولات و میوه‌هایی که از برکت باران حاصل شده و یکی از انواع رزقی است که نصیب موجودات می‌شود و ادامه حیات را برای انسان و حیوان ممکن می‌کند.

۳- بهائم

یکی دیگر از مصادیق رزق خدا به بندگان «بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ» است که مراد از آن شتر و گاو و گوسفند است. که در آیه ذیل به آن اشاره شده است: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (الحج، ۲۸).^۱

۴- سماء (باران)

در بسیاری از آیات قران کریم کلمه سماء با رزق در کنار هم به‌کار رفته است و نشان می‌دهد که یکی از منابع تأمین کننده رزق بندگان، «آسمان» است که سبب نزول باران است؛ «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (الذاریات، ۲۲).^۲ به عقیده برخی از مفسران رزق در این آیه به معنای «باران» است. (طباطبایی، ۳۷۵/۱۸؛ طبرسی، ۲۳۵/۹).
برخی مفسران در آیاتی دیگر از جمله؛ غافر، ۱۳ (طوسی، ۶۲/۹)، الجاثیه، ۵ (طبرسی، ۱۰۹/۹؛ طوسی، ۴۹۵/۸)، یونس، ۱۳ (طوسی، ۳۷۰/۵) و النمل، ۲۴ و ۶۴ (طبرسی، ۳۵۸/۷) رزق را به معنی باران دانسته‌اند.

۲-۳-۲. رزق معنوی و مصادیق آن

گاه نعمتی که خداوند به مخلوقاتش عنایت می‌کند، جلوه مادی و ظاهری ندارد. و البته درک معنویت و رایحه‌ی عشق الهی نیازمند لیاقت خاص است که همگان از این لطف

۱. تا شاهد منافع خویش باشند، و نام خدا را در روزهای معلومی بردام‌های زبان بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند. پس، از آنها بخورید و به درمانده‌ی مستمند بخورانید.
۲. و روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است.

بی‌بهره‌اند، دانش، بصیرت. آشنایی با معارف الهی و... نمونه‌هایی از رزق معنوی‌اند که خداوند به برخی از انسان‌ها عطا کرده است. مصادیق رزق معنوی در قرآن کریم آن‌قدر گسترده و متنوع است که بررسی همه‌ی آنان در این مقاله میسر نیست لذا به نمونه‌هایی کوچک از آن بسنده می‌گردد.

۱- بهره بردن از قرآن

برخی از مفسران بیان می‌کنند که مراد از رزق در آیه‌ی شریفه «وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ» (الواقعه، ۸۲).^۱ قرآن است و؛ مراد از رزق بودن قرآن این است که: خدای تعالی قرآن را روزی‌شان کرد، و معنای آیه این است که: آیا شما این رزقی را که خدا روزیتان کرده با تکذیب معاوضه می‌کنید؟ (آلوسی، ۱۴/۱۵۶). بنابراین قرآن کریم رزقی است دائمی و همیشگی و با توجه به معنای لغوی آن عطای جاری است. قرآن و معارف قرآن کریم و شرایع آسمانی که منشأ همه آنها وحی است رزق معنوی انسانهاست و این رزق همانند رزق مادی تدریجی نازل گردیده، تا مردم با پذیرفتن قسمت‌های اول آن، برای پذیرش قسمت‌های بعدی آماده شوند. این رزق معنوی، رزقی است که خداوند به وسیله آن مردم را امتحان می‌کند، چون همه در عمل به آن معارف و بکار بستن آنها یکسان نیستند. (نک: جوادی آملی، تسنیم ۱/۲۳۸؛ طباطبایی، ۱۸/۵۷).

۳- رزق حسن

در پاره‌ای از آیات، قرآن رزق را به صفت حَسَن ستوده است، مانند آنچه از شعیب پیامبر در گفتگوی با قومش حکایت شده: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا» (هود، ۸۸).^۲

در برخی از تفاسیر ذیل این آیه آمده است که مراد از رزق حسن، وحی و نبوت است، که مشتمل بر اصول معارف و شرایع است و نیز مراد علم است (طباطبایی، ۱۰/۳۶۷؛ ۳/۱۳۸).

۱. و تنها نصیب خود را در تکذیب [آن] قرار می‌دهید.

۲. گفت: ای قوم من، ببینید، اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم، و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم؟]

در اینجا رزق حسن، رزقی است معنوی که خداوند این رزق معنوی را در قالب مقام نبوت به پیامبران خویش عطا کرده است، شاید بتوان گفت به این دلیل نبوت داده شده به حضرت شعیب، رزق حسن نام برده شده که در مقابل انحراف و کجروی مشرکان عصر خویش بوده است. سران و رهبران آن زمان به خاطر منافع خود، مردم را گمراه می‌کردند و اجازه هدایت آنها را نمی‌دادند؛ لذا در مقابل آنان، برخورداری حضرت شعیب از نعمت نبوت و هدایت‌گری را با رزق حسن یاد می‌کند.

ضمناً از مصادیق دیگر رزق معنوی می‌توان به برخی از نعمت‌های الهی که در اختیار بهشتیان قرار می‌گیرد از جمله لقاالله و رضوان الهی اشاره کرد. (نک: الکهف، ۱۱۰ و آل عمران، ۱۵)

۳- مبانی توحید در رازقیت از نظر قرآن

با نظر به آیات قرآن کریم برای اثبات توحید در رازقیت؛ - به این معنا که تنها روزی رسان بالذات و بالأصله خداوند است - می‌توان به مبانی خاصی دست یافت که رازق بودن انسان که در برخی از آیات به آن اشاره شده است را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این مبانی عبارتند از:

۳-۱. اعتقاد به وجود خدا در هستی

وجود خداوند در هستی یک امر بدیهی است و با مراجعه به آیات و ادعیه می‌توان این مطلب را دریافت کرد. آیه‌ی شریفه‌ی «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (ابراهیم، ۱۰) می‌فرماید: مگر درباره‌ی خدا - پدیدآورنده‌ی آسمان‌ها و زمین - تردیدی هست؟ جمله‌ای که می‌تواند اشاره به بدهت وجود خدا باشد، همان عبارت «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ» است در حالی که جمله بعدی یعنی «فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» نیز خود برهانی است بر وجود خدا. در دعای عرفه امام حسین علیه السلام چنین می‌گوید: «كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وَجُودِهِ»

مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ أَيُّكُونُ لِيغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ مَتَى غَبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَرُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا» چگونه می‌توان با چیزی که در وجود خود به تو نیازمند است بر تو استدلال نمود چرا آن ظهوری که برای غیر تو هست، برای تو نباشد؟! تا او تو را آشکار سازد کی از دیده دل پنهان گشتی، تا محتاج به دلایلی باشی که به سوی تو راهنما باشد؟ کی از ما دور شدی تا آثار و نشانه‌های تو ما را به سوی تو برساند نابینا باد دیده‌ای که تو را بر خود رقیب و نگهبان نیندیشد.» (توضیح بیشتر را نک: سبحانی، ۳۳-۳۵).

بنابراین خدا از آن نظر که جهان را آفریده، خالق است و نسبت به مخلوقات خود، رازق است. و «تعبیر قرآنی «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ»^۱ از آیه‌ی شریفه‌ی ۳ سوره فاطر دلالت می‌کند که خالق نعمت‌ها - که مخاطب به خالقیت او اقرار و اعتراف می‌کند - همان رازق و منعم نعمت‌هاست.» (طباطبایی، ۱۶/۱۷).

۲-۳. ربوبیت الهی و توحید ربوبی

وجه تمایز توحید در قرآن کریم با ادیان دیگر توحید در ربوبیت الهی است و رب نیز از اسمای حسنا‌ی الهی است. ربوبیت از صفات فعلی خدای سبحان محسوب می‌شود. گرچه اعتقاد به ربوبیت الهی همچون اعتقاد به سایر صفات فعلی خداوند لازم است، اما در طول تاریخ، گروهی از انسان‌ها برای خدای متعال در مقام ربوبیت شریک قائل شده‌اند. به گفته یکی از محققان: «این گروه معتقدند که مقام خلقت غیر از مقام تدبیر است، چیزی که مربوط به خداست همان خلقت است ولی چون تدبیر از خلقت جداست، از این جهت تدبیر جهان طبیعت به موجودات دیگر که اختیاردار این جهان هستند واگذار شده است و خداوند تدبیر همه یا بخشی از جهان را به آنها تفویض کرده است و آنها به طور مستقل به کارگردانی جهان می‌پردازند.» (سبحانی، جهان‌بینی اسلامی، ۲۶۸-۲۶۹). یکی از

۱. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟

روشن‌ترین گواه اعتقاد به وجود مدبرهای مختلف و گوناگون در اعصار مختلف به خصوص عصر حضرت ابراهیم علیه السلام داستان احتجاج آن حضرت با مشرکان عصر خود بود، آنان ستاره و ماه و خورشید را به عنوان رب و پروردگار - نه آفریدگار - می‌پرستیدند و تصور می‌کردند که نظام پایین، در اختیار نظام بالا قرار گرفته و کارگردانی و تدبیر آن به آن‌ها تفویض شده است. به خاطر داشتن چنین عقیده‌ای است که ابراهیم علیه السلام اعتقاد به ربوبیت و خدایی کواکب و ستارگان را با استناد به غروب آنها باطل کرده و فرمود: ستاره پس از غروب از بینندگان پنهان می‌شود و چیزی که پنهان است چطور می‌توان کار خود را که به عقیده مشرکان تدبیر عالم کون است، ادامه دهد (نک: طباطبایی، ۱۷۷).

از برخی آیات قرآن مانند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (المائدة، ۶۴).^۱ برمی‌آید که یهودیان نیز اعتقادی به توحید ربوبی نداشته‌اند و تصور آنها این بود که خداوند عالم را در ۶ روز آفریده و سپس در روز هفتم به استراحت پرداخته است. از نظر آنان اداره عالم در پرتو سنت‌هایی است که خداوند وضع کرده و در آنها تغییر و تحولی پیش نمی‌آید. اما خداوند ضمن رد این پندار در آیاتی چند (از جمله نک: سوره ق، ۳۸ و الاحقاف، ۳۳) تاکید می‌کند که همه موجودات آسمان و زمین دست سوال و نیاز به سوی او دراز کرده‌اند و خداوند هر لحظه در کار و تقدیری است (الرحمن، ۲۹) ضمن آنکه برای خداوند تغییر و تحول در مقدرات هم امری سهل و آسان است که «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (الرعد، ۳۹).^۲

در برابر عقاید شرک‌آمیز مشرکان و شبیه به آن یهودیان در انکار توحید ربوبی، قرآن با قاطعیت هرچه تمام‌تر خدا را یکتا مدبر جهان می‌داند و در این مورد هر نوع تدبیر مغایر و مستقل را که مظهر ربوبیت غیرخدایی باشد محکوم می‌سازد. اینک به برخی از آیات که به این مطلب گواهی می‌دهند اشاره می‌شود: به شب

۱. و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دست‌های خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می‌بخشد.
۲. خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند، و اصل کتاب نزد اوست.

- ۱- «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ...» (یونس، ۳).^۱
- ۲- «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (الرعد، ۲).^۲
- خداوند در این دو آیه و آیات متشابه، پس از بیان آفرینش آسمان و زمین، مسأله استیلا بر عرش را مطرح می‌کند. و هدف از طرح آن این است که زمام جهان خلقت پس از آفرینش به دست اوست و هرگز به دیگری تفویض نگردیده است.
- لذا با اثبات توحید ربوبی برای خدای قادر متعال، توحید در رازقیت که از فروعات توحید ربوبی است واضح و مبرهن می‌شود.

۳-۳. سلسله نظام طولی در توحید افعالی

یکی دیگر از مبانی توحید در رازقیت به موضوع روابط طولی فاعلهای ممکن‌الوجود با فاعل مطلق واجب‌الوجود مربوط می‌شود. طبق این مبنا در شرایطی که طبق برخی از آیات قرآن رزق و روزی‌دهی به انسان استناد پیدا می‌کند (از جمله نک: البقره، ۲۳۳؛ النساء، ۵)، اما این موضوع باعث نمی‌گردد تا رازقیت در انحصار پروردگار عالم قرار نداشته باشد چرا که رازق‌های جزئی تکویناً و تشریحاً در طول خدا بوده و به اذن الله قادر به ایفای نقش خود در رزق‌رسانی به دیگرانند. ضمناً علاوه بر رزق سر آنکه در قرآن کریم همه اتفاقات عالم از جهت تحقق مستند به خداوند می‌گردد همین است.

از دیدگاه فلاسفه و متکلمان، موجودات همچنان که در ذات و صفات استقلال‌ی ندارند، در حوزه تأثیر و تأثر نیز وابسته به خدایند و هر سببی، هستی و تأثیر خود را از او

۱. پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید. سپس بر عرش استیلا یافت. کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند. شفاعت‌گری جز پس از اذن او نیست.

۲. و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها نهاد، و از هرگونه میوه‌ای در آن، جفت‌جفت قرارداد. روز را به شب می‌پوشاند. قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد.

می‌گیرد. آیاتی چون «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ...» (الاسراء، ۱۱۱).^۱ بیانگر توحید افعالی است و بدین مفهوم است که تمام جهان هستی، یک فعل مستقل قائم بالذات بیش نیست و تمام افعال موجودات پرتو آن فعل‌اند که خود قائم به وجود واجب‌الوجود است و در عین نسبت با ممکنات، با پروردگار نیز نسبت دارد (حسینی تهرانی، ۲۰۵/۱).

جمله «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ...» در آیه‌ی مذکور روشن‌ترین گواه بر این است که هیچ فاعل و سببی در هر مرتبه و موقعیت که باشد، نمی‌تواند فعل و کار خود را به‌طور مستقل انجام دهد زیرا در این صورت همان فاعل برای خدا، شریکی در تدبیر و جهانداری خواهد بود. (سبحانی، مبانی توحید، ۲۴۶-۲۴۷).

به‌طورکلی توحید افعالی بیان می‌دارد که: در جهان هستی، یک خالق اصیل و مستقل بیشتر وجود ندارد، و خالقیت علل دیگر (با فرض وجود مانند عیسی ﷺ طبق آیات قرآن در سوره‌های مایده و آل‌عمران) در طول خالقیت او و به اذن و فرمان او صورت می‌پذیرد. همچنین مدیر و کارگزار جهان آفرینش، نیز یکی بیش نیست و آن خداوند است، و هر نوع تدبیری که در جهان صورت پذیرد، به فرمان و به اراده و مشیت اوست. در مساله رازقیت هم مطلب خارج از این قاعده نیست که علی‌رغم برخورداری انسان از حق رازقیت رازق اصلی و علی‌الاطلاق خداوند منان است. و مبنای توحید افعالی گره‌گشای چنین موضوعی است و به عبارت دیگر: «توحید افعالی نحوه صدور فعل از انسان و فاعلیت او را روشن می‌کند و ثابت می‌کند که هر فعل و کاری از انسان در حالی که فعل خدا است، فعل انسان نیز هست، چیزی که هست فاعلیت خدا، فاعلیت تسبیبی است در حالی که فاعلیت انسان، فاعلیت مباحثی می‌باشد (همانجا، ۲۴۸). و در انتها مجدداً یادآور می‌شویم که در مورد رازقیت هم همین‌گونه است؛ رازقیت از صفات فعل خداوند است و او با فراهم ساختن روزی و انزال ارزاق، «رازق» است و انسان در روزی رسانی مظه‌ری از اوست.

۱. و بگو: «ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهان داری شریکی دارد...».

نتایج مقاله

۱- «رزق» موهبت و بخششی است از ناحیه خداوند متعال به بندگانش، و از آنجا که خالق همه موجودات خداوند متعال است خود نیز ضامن رزق و روزی آنهاست و این امر نشان می‌دهد که خالقیت و رازقیت دو امر متلازم هستند؛ طبق بینش قرآنی تنها خداوند رازق است و اگر غیر از او به این صفت خوانده می‌شود بدین معنا است که غیر او به نحو مظهریت عهده‌دار رزق هستند و در حکم وسیله و اسباب‌روزی رسانی هستند. بنابراین رازقیت خدا بالذات و بالاصاله بوده و رازقیت دیگران بالعرض می‌باشد.

۲- توحید در رازقیت که فعل رزق‌رسانی را مختص خدا و از شئون توحید در خالقیت می‌داند بر مبانی خاصی از جمله، اعتقاد به وجود خداوند عالم، اعتقاد به ربوبیت الهی و اعتقاد به نظام سلسله‌ی طولی در توحید افعالی استوار است و بیانگر این مطلب است که در جهان هستی، یک خالق اصیل و مستقل بیش نداریم، و خالقیت علل دیگر در طول خالقیت او و به اذن و فرمان او صورت می‌پذیرد و مدبر و کارگزار جهان آفرینش، نیز یکی بیش نیست و آن خدا است، و هر نوع تدبیری که در جهان صورت پذیرد، به فرمان و به اراده و مشیت اوست. و لذا رازقیت از صفات فعل اوست و روزی مرزوقین را خود عهده‌دار است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم با ترجمه فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۷.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، شرح زیارت جامعه کبیره، محقق محمد صفایی، قم، اسراء، ۱۳۸۸، چاپ پنجم، نرم افزار کتابخانه دیجیتال اسراء.
۵. همو، تسنیم تفسیر قرآن کریم، محقق: حجه الاسلام علی اسلامی، اسراء، قم، ۱۳۸۸، چاپ هشتم، نرم افزار کتابخانه دیجیتال اسراء.
۶. همو، تسنیم تفسیر موضوعی قرآن کریم، محقق: حجه الاسلام علی اسلامی؛ عبدالکریم عابدینی، اسراء، قم، ۱۳۸۹ش، نرم افزار کتابخانه دیجیتال اسراء.
۷. همو، تفسیر موضوعی قرآن کریم توحید در قرآن، اسراء، قم، ۱۳۸۳ش، چاپ اول، نرم افزار کتابخانه دیجیتال اسراء.
۸. حسینی تهرانی، محمدحسین، معادشناسی، مشهد، نور ملکوت قرآن، ۱۴۲۲ق، چاپ نهم.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق، چاپ اول.
۱۰. سبحانی، جعفر، جهان بینی اسلامی، توحید، قم، ۱۳۶۱ش.
۱۱. همو، مبانی توحید از نظر قرآن، توحید، قم، ۱۳۶۱ش.
۱۲. همو، منشور جاوید نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۰۸ق.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۵. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق، چاپ دوم.
۱۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، - قاهره - لندن، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم.